

نامه‌های مازندران

مجموعه اول

سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه

به کوشش: مصطفی نوری

نشر البرز

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۳۱۳ - ۱۲۴۷ ق
عنوان و نام پدیدآور: نامه مازندران: سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه / به کوشش مصطفی نوری
مشخصات نشر: تهران: البرز، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۷۴۴ ص. : مصور
شابک: ۰ - ۷۶۴ - ۴۴۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
عنوان دیگر: سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه
موضوع: ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۳۱۳ - ۱۲۴۷ ق. -- سفرها -- ایران -- مازندران
موضوع: سفرنامه‌ها
موضوع: مازندران -- سیر و سیاحت
موضوع: مازندران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۳ ق
شناسه افزوده: نوری، مصطفی، گردآورنده
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۲ ن / ۱۳۶۹ DSR
رده‌بندی دیوین: ۹۵۵/۰۷۴۵۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۴۱۵۲۲

انتشارات البرز

- امور فنی: مهراوه فیروز
 - طراح جلد: سروش رستگار
 - چاپ اول: بهار ۱۳۹۰
 - شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 - لیتوگرافی: صحیفه نور
 - چاپ: کاج
 - بها: ۱۹۵۰۰ تومان
 - شابک: ۰ - ۷۶۴ - ۴۴۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ۰ - ۷۶۴ - ۴۴۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 442 - 764 - 0
-

• مرکز توزیع: پخش البرز - تلفن: ۸۸۴۵۵۶۰۹ - ۸۸۴۵۲۷۴۹

• WWW.ALBORZPUBLICATION.COM

• INFO@ALBORZPUBLICATION.COM

• نشر البرز: خیابان دکتر بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی، ساختمان شماره ۶۸، تلفن و نمابر ۸۸۴۱۷۴۴۶ -

۸۸۴۰۵۱۸۲ صندوق پستی: ۱۵۸۱ - ۱۶۷۶۵

تمام حقوق چاپ این اثر برای مؤلف محفوظ است.

این اثر با حمایت مالی گروهی از سوادکوهی‌های مقیم پایتخت به چاپ رسیده است.

فهرست مطالب

۱۴	 مقدمه
۳۳	 سفرنامه بُهلر
۳۵	 مأموریت میو بُهلر
۳۵	 کرج و گازرسنگ
۳۶	 از قزوین تا منجیل
۳۹	 به سوی رشت
۴۲	 شهر رشت
۴۶	 انزلی
۵۱	 استحکامات مورد نیاز در ولایت رشت و سرحدات آن
۵۲	 موقعیت جغرافیایی گیلان
۵۳	 راه رشت به لاهیجان
۵۴	 لاهیجان
۵۴	 راه شاه عباسی
۵۵	 لنگرود تا خرم آباد
۵۷	 ورود به مازندران
۶۰	 املاک میرزا آقاخان نوری
۶۱	 محمودآباد
۶۲	 مشهدسر

۶۳	بارفروش
۶۴	دارالحکومه مازندران
۶۴	به سمت استرآباد
۶۵	اشرف‌البیاد تا استرآباد
۶۶	کرانه جنوبی دریای مازندران
۶۷	حکمران با لیاقت
۶۷	استحکامات مورد نیاز از شرق مرداب انزلی تا استرآباد
۶۹	تاخت و تاز تراکمه
۷۰	خاستگاه قاجاریه
۷۱	تدابیر نیم‌بند ملک‌آرا
۷۲	استحکامات لازم در توکمن صحرا
۷۳	قشون لازم برای مهار ترکمن‌ها
۷۴	راه استرآباد به میانکاله
۷۵	تشکیلات کمپانی روسی
۷۷	روس‌ها در استرآباد و ترکمن صحرا
۷۸	تشکیلات روس‌ها در آشوراده
۸۰	جغرافیای آشوراده
۸۱	مرداب استرآباد
۸۱	راه بازگشت به تهران
۸۵	سفرنامه برونیار
۸۷	تفصیل سفر مازندران موسیو برونیار
۸۹	منافع حاصل از راه عرابه‌رو
۸۹	ملزومات ساخت راه
۹۱	مقایسه مخارج ساخت راه به وسیله مهندس عامه یا مهندس نظام
۹۲	تأکید بر فواید ساخت راه در مازندران
۹۳	راه تهران - سوادکوه
۹۳	راه هراز
۹۵	فواید ساختن راه فیروزکوه به ساری و بارفروش
۹۵	منطقه جنگلی سوادکوه
۹۷	حیوانات و پرندگان مازندران
۹۸	اخذ مالیات و باج راه
۹۹	مزایای ساخت راه در مازندران

۱۰۱	سفرنامه ناصرالدین شاه (۸۳ - ۱۲۸۲ قمری)
۱۰۳	عزم حرکت به سوی مازندران
۱۰۵	اوضاع دیوانخانه
۱۰۶	ملترمین رکاب
۱۰۷	خروج از دارالخلافه
۱۰۸	دیدار با صاحب‌منصبان روسی
۱۰۹	رسیدگی به امور جاری مملکت
۱۱۰	گردش با ملترمین رکاب
۱۱۱	حرکت به سوی سرخ‌حصار
۱۱۲	شکار ناموفق
۱۱۳	عبور از رودهن و بومهن
۱۱۴	از دماوند تا فیروزکوه
۱۱۹	در قصبه فیروزکوه
۱۱۹	شاه قاجار در سوادکوه
۱۲۶	به سوی علی‌آباد
۱۲۸	در دارالحکومه ساری
۱۳۱	تفرج در اطراف ساری
۱۳۵	روز عید قربان در ساری
۱۳۶	شکار در اطراف ساری
۱۳۷	عزم حرکت از ساری
۱۳۸	در راه اشرف‌البلاد
۱۴۰	شاه قاجار در اشرف‌البلاد شاه عباس
۱۴۶	در میانکاله
۱۵۲	حرکت به سوی فرح‌آباد
۱۵۴	ملاقات شاه با مأمورین دولت روسیه
۱۵۶	شاه در فرح‌آباد
۱۵۹	در راه مشهدسر
۱۶۱	ورود به بارفروش
۱۶۴	عزم حرکت به آمل
۱۶۵	توقف در آمل
۱۶۸	به سوی محمودآباد
۱۷۰	از ایزده تا جالوس

حرکت به سوی قریه ناحیه ۲۹۷

سفرنامه اعتضاد السلطنه به لاریجان ۳۱۷

عزم سفر به لاریجان ۳۱۹

از سرخ حصار تا بومهن ۳۲۰

امام زاده سلطان مطهر بومهن ۳۲۱

از بومهن تا گردنه امامزاده هاشم ۳۲۲

ورود به قصبه اسک ۳۲۴

تقویم فرس در لاریجان ۳۲۴

اتراق در اسک ۳۲۵

از اسک تا بند بریده ۳۲۶

حجاری «شکل شاه» ۳۲۸

آب‌های معدنی اسک ۳۳۰

کاوش در غارهای اسک ۳۳۱

وزیر علوم در آبگرم لاریجان ۳۳۶

شرحی بر آثار الباقیه ابوریحان بیرونی ۳۳۸

نحوست چهارشنبه ۳۴۰

قتل ضحاک به روایت ابوریحان بیرونی ۳۴۱

رسوم مجوس در زمان ابوریحان بیرونی ۳۴۲

مشاهدات مسیو ریشارد خان از غارهای قریه مون ۳۴۶

سیاحت در آبادی‌های اطراف ۳۴۸

بازگشت از آبگرم لاریجان به تهران ۳۵۰

سنگ قبرها و کتیبه های لواسان ۳۵۳

سفرنامه محمد میرزا مهندس ۳۶۱

مأموریت به میانکاله ۳۶۳

سیری در تاریخ قدیم و جغرافیای تاریخی مازندران ۳۶۳

احوال ملوک طبرستان ۳۷۳

اشاراتی به تاریخ ساری ۳۷۵

بنیان شهر آمل ۳۸۰

خروج و نداد هرمز ۳۸۸

فخر الاسلام رویانی ۳۸۹

۳۹۰	ابن فورک
۳۹۱	بعضی از علمای طبرستان
۳۹۲	حکمای مازندران
۳۹۳	اطباء، منجمان و شاعران مازندران
۳۹۴	سادات علوی در طبرستان
۳۹۶	قوام‌الدین مرعشی بنیان‌گذار سلسله مرعشیان مازندران
۴۰۷	قتل ملک فخرالدوله
۴۰۹	بارفروش ده
۴۰۹	از ساری تا بارفروش
۴۱۱	بحرالآرم بارفروش
۴۱۱	اطراف بارفروش
۴۱۲	از تهران تا فیروزکوه
۴۱۶	در راه سوادکوه
۴۱۷	از سوادکوه تا ساری
۴۲۰	از بومهن تا آمل
۴۲۳	از ساری تا اشرف
۴۲۶	ابنیه تاریخی اشرف
۴۳۱	عزیمت از اشرف به طرف میانکاله
۴۳۳	بنای شهر اشرف به وسیله شاه عباس صفوی
۴۳۴	راه شاه‌عباسی در مازندران
۴۳۵	میانکاله در دوره شاه عباس
۴۳۷	گزارش از وضعیت میانکاله
۴۴۰	شهر جرجان
۴۵۹	سفرنامه افضل‌الملک به کلاردشت
۴۶۱	عزیمت به ییلاق کلاردشت
۴۶۵	در شهرستانک
۴۷۱	شهرستانک
۴۷۶	شورش شهر جرجان
۴۷۸	شهرستانک
۴۸۰	منزل گججه‌سر
۴۸۳	کندوان

سیاه‌بیشه	۴۸۴
شرح حال و فضایل میرزا حسن خان منشی اسرار	۴۸۷
مکالمه با جناب حکیم‌الممالک	۴۸۸
راه هزار چم	۴۸۹
مجالست با جناب حکیم‌الممالک	۴۹۰
منزل سیدآباد	۴۹۲
در کلاردشت	۴۹۳
فتح‌اله خان شیانی	۴۹۶
میرزا ابوالفضل ادیب	۴۹۸
میرزا تقی خان مجاهدالملک	۵۰۰
میرزا ابراهیم ملارم مجاهدالملک	۵۰۱
سفرنامه ملیجک	۵۰۳
حرکت به سوی فشم	۵۰۵
اطراق در فشم	۵۰۷
ملتزمین رکاب	۵۰۸
حرکت به سوی زایگان	۵۰۹
طراق در زایگان	۵۱۰
گرمابدر، منزل بعدی	۵۱۰
در راه بلده	۵۱۹
اطراق در بلده	۵۲۱
عزم حرکت به کجور	۵۲۳
اطراق در کجور	۵۲۵
از کجور تا کدیر	۵۲۷
همگام با شاه در لب دریا	۵۳۰
مراجعت به کجور	۵۳۴
در آستان‌کروود	۵۳۶
به سوی میخساز	۵۳۹
اطراق در میخساز	۵۴۱
حرکت به سوی نسن	۵۴۳
اطراق در نسن	۵۴۴
حرکت به سوی کندوان	۵۴۶

۵۴۸	اطراق در کندوان
۵۵۰	حرکت به سوی حسنکدر
۵۵۱	در راه شهرستانک
۵۵۲	در شهرستانک
۵۵۴	شکار در حوالی شهرستانک
۵۵۶	در خدمت شاه
۵۵۹	باز هم شکار به همراه ناصرالدین شاه
۵۶۰	ملاقات با نایب السلطنه در شهرستانک
۵۶۲	در رکاب شاه
۵۶۴	بازگشت به املالخلافة تهران
۶۰۱	پیوست‌ها
۶۰۳	پیوست یک: گزارش سفر ناصرالدین شاه به مازندران در ۸۳-۱۲۸۲ قمری
۶۱۳	پیوست دو: گزارش سفر ۸۳-۱۲۸۲ قمری ناصرالدین شاه به نظم
۶۲۵	پیوست سه: روزنامه از ساری از سمت نکا به میانکاله
۶۳۵	پیوست چهار: جغرافیای محال مازندران
۶۷۷	پیوست پنج: نقشه
۶۹۱	نمایه‌ها
۶۹۴	اشخاص و صوایف
۷۱۳	جایها
۷۳۳	کتاب و جراید

www.ketab.ir

مقدمه

فقدان داده‌های تاریخی قابل ملاحظه راجع به تحولات پرفراز و نشیب مازندران در ادوار گذشته و بی‌اطلاعی از کم و کیف رویدادهای اجتماعی آن صفحات در دوره قاجار که همواره از کاستی‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران‌زمین به شمار می‌رود از یک سو و کم‌توجهی به تاریخ‌پژوهی و ارائه اسناد و متون تاریخی در حوزه مازندران، برخلاف تلاش‌های روز افزون در دیگر نواحی شمالی مانند گیلان و گرگان از سوی دیگر، ضرورت توجه و پرداختن به منابع ارزشمندی چون سفرنامه‌های عصر ناصری را نمایان می‌سازد. بی‌تردید سفرنامه‌ها به دلیل توجه به نکات ظریف و گاه پراهمیتی مانند نام آبادی‌ها، کوه‌ها، رودها، اشخاص و نیز آداب و رسوم اجتماعی – به عبارتی دیگر سخن گفتن از زندگی مردمان عادی – از منابع قابل توجه در تاریخ‌نگاری به شمار می‌روند.

اگرچه بخش‌هایی از سفرنامه‌های با اهمیت عصر صفوی مانند یادداشت‌های پیترو دلاواله^۱ و توماس هربرت و سفرنامه‌های ادوار بعدی از جمله کتاب جوناس هنوی در دوره نادرشاه افشار را می‌توان از آثار با ارزش راجع به تاریخ مازندران محسوب کرد، اما سفرنامه‌های عصر قاجار از لحاظ کمی و کیفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۱. بنگرید به: سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: فطره، ۱۳۸۰، صص ۷۱۰-۵۸۷.

۲. راجع به سفر سیاحان خارجی به مازندران بنگرید به: جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، ابوالقاسم طاهری، [تهران]: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۷، صص ۷۰-۱.

می‌باشند. از جمله آنها می‌توان به کتب فریزر^۱، مکنزی^۲، ملگونف^۳ و رابینو^۴ اشاره کرد که انبوهی از داده‌های تاریخی را راجع به صفحات شمالی ایران ارائه می‌دهند.

مجموعه حاضر با عنوان «سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه» که جلد اول «نامه مازندران» را دربر می‌گیرد شامل نه سفرنامه و پنج پیوست است. نخستین سفرنامه از آن بهلر^۵ فرانسوی در آغازین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه است و سفرنامه ملیچک در سال ۱۳۱۳ قمری آخرین سفرنامه این مجموعه است.

سفرنامه بهلر

چنانکه اشاره شد نخستین سفرنامه این مجموعه به سفر مسیو بهلر فرانسوی به نواحی شمالی ایران اختصاص دارد. وی از فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی «پلی تکنیک» پاریس و از مستخدمین دولت ایران بود. در سال ۱۲۶۹ قمری به ایران آمد و بعد از مرگ «زاتی» اتریشی از معلمین دارالفنون، تدریس ریاضیات و نقشه‌کشی به عهده او واگذار گردید بنابراین او را می‌توان از معلمان دوره اول دارالفنون به شمار آورد. فریدون آدمیت، معتقد است که او به دلیل خدمات شایسته به دولت ایران در جنگ هرات مورد انزجار دولت انگلیس بود.^۶

پس از آنکه یازده نفر از افسران فرانسوی به ریاست مسیو برونیار^۷، به وسیله فرخ‌خان امین‌الدوله استخدام شدند و به تهران آمدند. بهلر از دارالفنون به نظام منتقل شد و سالیان دراز در قشون ایران با درجه سرتیپی خدمت نمود.^۸ سفر بهلر از دارالخلافه تهران آغاز شد و برای بررسی سرحدات شمالی ایران از راه کرج و قزوین به سوی رشت و انزلی رفت و پس از آن از لاهیجان به سمت مازندران

۱. جیمز بیلی فریزر، سفرنامه فریزر، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: توس، ۱۳۶۴.

۲. چارلز فرانسیس مکنزی، سفرنامه شمال، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: گستره، ۱۳۵۹.

۳. سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، ترجمه مسعود گلزاری، تهران: دادجو، ۱۳۶۴.

۴. ه. ل. رابینو، مازندران و استرآباد، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

5. Bohler

۶. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱، صص ۳۶۴، ۳۶۳.

7. Borgnar

۸. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۷۲.

حرکت کرد. توصیف بهلر از محمودآباد. مشهدسر (بابلسر فعلی). بارفروش (بابل امروزی). ساری. اشرف (بیشهر کنونی) و دیگر آبادی‌های مازندران حاوی اطلاعات ارزشمندی است. بررسی اوضاع استرآباد (گرگان فعلی)، بندرگز، آشوراده و سپس فرح‌آباد، آخرین بخش سفر وی را شامل می‌شود.

گزارش‌های وی از اوضاع دفاعی شهرهای کناره دریای مازندران، وضعیت دهات میرزا آقاخان نوری، وضعیت روس‌ها در دریای مازندران و آشوراده از نکات قابل توجه این سفرنامه به شمار می‌رود و نیز اوضاع ترکمن‌ها و پیشنهاداتی راجع به ساخت قلاع و استحکامات برای دفاع در برابر هجوم احتمالی بیگانگان.

با توجه به اینکه بهلر در گزارش خود راجع به رشت، از مکنزی به عنوان قنصل بریتانیا در آجنا نام می‌برد و مکنزی نیز بین سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ قمری این سمت را دارا بود، حدود تقریبی زمان سفر بهلر به سواحل دریای مازندران معین می‌شود. علاوه بر این به دلیل نزدیکی زمانی سفرنامه بهلر با سفرنامه‌ای که مکنزی راجع به شمال ایران نوشته است، در موارد مقتضی نام اماکن به روایت مکنزی در پاورقی آمده است.

نسخه خطی این سفرنامه که به شماره فیلم ۱۶۹۴ از بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به دست آمده دارای خط شکسته نستعلیق است. فیلم این نسخه را دانشگاه تهران از نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره ۸۸۶/ف تهیه کرده است. پیش‌تر در اواخر دهه پنجاه، این سفرنامه به همت علی‌اکبر خداپرست و نیز م.پ. جکتاجی منتشر شده است.^۱

سفرنامه برونیا

پس از جنگ هرات و انعقاد قرارداد پاریس در ۱۲۷۳ قمری به وسیله فرخ‌خان امین‌الدوله، ناصرالدین شاه به او دستور داد که در فرانسه عده‌ای صاحب‌منصب برای تربیت سپاهیان ایران استخدام کند. فرخ‌خان یازده نفر را با ریاست مسیو برونیا استخدام کرد. در اسناد مربوط به سال ۱۲۷۵ قمری از کتاب «مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله» راجع به صورت احتیاجات و قرارداد استخدام صاحب‌منصبان فرانسوی

۱. سفرنامه بهلر، عی کر خداپرست، تهران: توس، ۱۳۳۶. سفرنامه گیلان و مازندران، م.پ. جکتاجی، لاهیجان: گیل، ۱۳۵۷.

آمده است: « مسیو برونیار: موجب هزار و هفتصد تومان، یک چادر سرتیپی با یک چادر نوکر و مال از برای حمل و نقل چادرها»^۱

در زمان اقامت برونیار در ایران وقتی آقای رو^۲ سروان توپخانه و عضو هیئت نظامی قبلی فرانسه شغل مقاطعه‌کاری را در ایران به عهده گرفت، سرهنگ برونیار رئیس هیئت نظامی فرانسه و سایر افسران این کار را تأیید نکردند و به او خاطرنشان کردند که این کار با مقررات شغلی وی منافات دارد. با پایان یافتن مدت قرارداد مسیو برونیار در سال ۱۲۸۰ قمری مذاکراتی راجع به چگونگی پرداخت طلب و هزینه بازگشت به فرانسه او بین مأمورین فرانسوی و دولت ایران صورت گرفت.^۳

در زمان اقامت برونیار در ایران وی مأمور بررسی وضعیت راه‌هایی شد که دارالخلافه تهران را به مازندران وصل می‌کرد. سفرنامه برونیار در واقع گزارش این سفر برای ارائه به ناصرالدین شاه است و در آن نویسنده نقاط ضعف و قوت راه‌های مازندران را مورد بررسی قرار داد.

مازندران به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی همواره با مسأله راه‌های ارتباطی مواجه بود. در ادوار گذشته راه نسبتاً مهم و البته صعب‌العبور این نواحی به تهران و ری از میان دره هراز و گردنه امامزاده هاشم می‌گذشت، تا آنکه به دستور شاه عباس صفوی، میرزا تقی وزیر مازندران مأمور ساختن راهی شد که از سوادکوه عبور می‌کرد و به جاده شاه عباسی معروف شد، اما در عصر افشاریه، زندیه و قاجاریه این جاده رو به خرابی نهاد و اوضاع آن تعریف چندانی نداشت.^۴

بنابر سفرنامه‌های موجود وضع راه‌های مازندران به دارالخلافه در عصر ناصری بسیار نابسامان به نظر می‌رسید. از نخستین داده‌ها راجع به خرابی راه‌ها در این دوره گزارش

۱. مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله. قسمت سوم، به کوشش کریم اصفهانیان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ص ۳۲۷.

2. Capitaine Rous

۲. آدریان روتیه. یادداشت‌های سیاسی کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: جویا، ۱۳۷۰، صص ۳۰۷، ۳۰۶، ۲۴۹.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: شعبان راغی، جاده شاهمی در مازندران، فصل‌نامه علمی - پژوهشی اباختر، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲، صص ۱۵۴ - ۱۴۳.

محرمانه کنسول کیت ادوارد ابوت^۱ به وزارت خارجه انگلستان است که در نخستین سال سلطنت ناصرالدین شاه به سواحل دریای مازندران سفر کرده بود. وی پس از گذشتن از گردنه امامزاده هاشم و راه‌های «... بسیار ناهموار ...» در حوالی روستای امیری لاریجان به لوح سنگی برخورد که بر آن نوشته شده بود: «... به خاطر تعمیر این راه مسافران باید سپاسگزار نواب رضاقلی میرزا در ۱۲۲۱ هجری ...» باشند! ابوت به طور کلی «... وضعیت راه‌ها [را] بسیار بد و نامطلوب ...» توصیف می‌کند. او پس از سفر به استرآباد از راه سوادکوه به تهران بازگشت. در مسیر بازگشت نیز همواره از ویرانی جاده شکایت دارد. وقتی از شیرگاه می‌گذرد اظهار می‌دارد: «... بدترین توصیفی که می‌شود ارائه داد در اینجا مناسب خواهد بود»^۲.

چند سال پس از ابوت، مسیو برونیار برای بررسی راه‌های مازندران به آن صفحات سفر کرد. او در آغاز سفرنامه از فواید دراز مدت ساخت راه مازندران و اهمیت برقراری راه ارتباطی مناسب بین تهران و مازندران برای تجارت سخن به میان آورد و اظهار داشت که راه باید محکم و با شیب معین ساخته شود تا کالسکه و عرابه به راحتی بتوانند در آن رفت و آمد نمایند. در ادامه به بررسی راه سوادکوه پرداخت و ضمن اشاره به جنگلی بودن جاده و بعضی مشکلات دیگر می‌نویسد: «... اگر اقدام به ساختن آن بشود و اهتمامی به عمل آید، رفع آن اشکال خواهد شد». برونیار جاده آمل به تهران را «بسیار صعب» قلمداد می‌کند و پس از ذکر جزئیات راه «... ساختن راه آمل به جهت کالسکه و عرابه [را] ناممکن ...» می‌داند و پیشنهادات خود جهت ساختن راه عرابه رو در مسیر فیروزکوه و سوادکوه و همچنین اخذ مالیات راه برای جبران خرج دولت را ارائه می‌دهد.

ملگونف که چند سال بعد به مازندران سفر کرد اوضاع راه‌های این حوزه را اینگونه توصیف می‌کند. «... نه همین خیابان‌ها ویران است و بس، بلکه بناهای بزرگ او از

۱. Abbott, Keit Edvard

۲. گزارش سفر کنسول ابوت به سواحل بحر خزر در طول اول نوامبر ۱۸۴۷ تا فوریه ۱۸۴۸ (دستاد وزارت امور خارجه انگلستان، محرمانه، شماره ۱۳۶) ترجمه دکتر احمد سیف. مأخذ: www.Tabarestan.info

عمارات عالی و کاروانسراهای رفیع و پل‌ها و رباط‌ها از بی‌مبالاتی ایرانیان یک سر خراب و ویران و عبرت‌ناظرین گردید.^۱

در اواسط دوره ناصری تلاش‌هایی نیز برای بهبود راه‌های مازندران صورت گرفت هر چند انگیزه اصلی این تعمیرات سهولت سفر شاه به مازندران بود. در سال ۱۲۸۱ قمری کاستگرخان اتریشی به دستور ناصرالدین شاه مأمور راه هزارچم شد و سال بعد این مهم را به انجام رساند. «... حاج میرزا یحیی‌خان نایب بلده نور و کجور نیز در امداد کاستگرخان به انجام خدمت مزبوره مساعی وافیه نموده.»^۲

در سال ۱۲۸۳ قمری چون انوشیروان‌خان عین‌الملک، خوانسالار و ایلخانی ایل قاجار «... در ساختن راه‌های سخت و صعب مازندران اهتمام کافیه نموده بود ...» به اعتضادالدوله ملقب گشت.^۳ عباس‌قلی‌خان سردار لاریجانی نیز با همراهی کاستگرخان در سال ۱۲۸۹ قمری «... مأمور و مشغول ساختن راه آمل به دارالخلافه ...» شد.^۴

با این وجود در یک نگاه کلی تغییر چشمگیری در وضعیت راه‌های مازندران در دوران ناصرالدین شاه و حتی تا پایان دوره قاجار صورت نگرفت و جاده پیشنهادی برونپار تقریباً به همان شکل باقی ماند تا اینکه در دوره رضاشاه شوسه شد.

رساله سفرنامه مسیو برونپار در شوال ۱۲۸۱ قمری «... داخل کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده اعظم اعتضادالسلطنه وزیر علوم و صنایع و معادن و تجار علی‌قلی میرزا زید اجلاله و دام اقباله گردید [و] در یوم جمعه ۱۵ شهر ذی‌الحجه ۱۲۹۷ [قمری] در عداد کتب موقوفه مسجد و مدرسه ناصری معدود و داخل کتابخانه مدرسه مزبور گردید.»^۵ این سفرنامه به همراه رساله‌ای «... در تفصیل حکایات غریبه و ولایات عجیبه ...» از نظام‌الدین طبیب ملقب به حکیم‌الملک گلانی یک کتابچه را

۱. عزالدوله، ملگوف. سفرنامه ایران و روسیه و نواحی شمال ایران، به کوشش محمد گلن - فرامرزی طالبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۹۸.

۲. محمدحسن‌خان اعتضادالسلطنه، مرآت‌البلدان، ج ۳، به کوشش عبدالحمین نوایی - میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۴۸۷.

۳. همان، ص ۱۵۱۷.

۴. همان، ص ۱۶۹۰.

۵. این یادداشت قبل از آغاز سفرنامه در برگی جداگانه نوشته شده است و در ادامه آن آمده است: «... این موسیو برونپار کولونل [سرهنگ] بوده و در وزارت میرزا آقاخان صدراعظم نوری به تهران آمده بوده است.»

تشکیل می‌دهند که به شماره ۲۸۱۶ در کتابخانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) نگهداری می‌شود.

سفرنامه‌های ناصرالدین شاه

سفرنامه‌های برجامانده از ناصرالدین شاه به مازندران از منابع بسیار ارزشمندی است که در کنار سفرنامه‌های دیگر این دوره، مجموعه با ارزشی را شکل می‌دهد که از دیدگاه تحولات تاریخ محلی، آثار و ابنیه تاریخی، نام و موقعیت جغرافیایی اماکن و رجال‌شناسی از اهمیت چشمگیری برخوردار است. هر چند وجه تمایز سفرنامه‌های ناصرالدین شاه با سایر سفرنامه‌های مشابه سیاحان ایرانی و خارجی آن دوران در این است که شاه قاجار بیشتر از آنکه به اوضاع اجتماعی سیاسی منطقه بپردازد بخش اعظمی از سفرنامه خود را به وصف زیبایی طبیعت، لذایذ شکار، شرح احوال مزاجی خود و مسائلی از این دست اختصاص داد و شاید بتوان نام «آداب سفر سلطان صاحب‌قران» نیز بر آن نهاد.

نخستین سفرنامه‌ای که چهارمین شاه قاجار از سفرهای خود به مازندران نگاشته است به سفری اختصاص دارد که در اواخر سال ۱۳۸۲ قمری و اوایل سال ۱۲۸۳ قمری به آن صفحات داشته است. معرفی رجال عصر ناصری که در این سفر از ملتزمین رکاب بودند، شرح وضعیت قصبات، نام آبادی‌ها، وضعیت راه شاه عباسی و راه هزارچم، شرح آثار تاریخی چون بناهای عصر صفویه در اشرف‌الدیاد (بهشهر امروزی) و معرفی علما و صاحب‌منصبان مازندران در آن عصر از جمله مسائل حائز اهمیتی است که در این سفرنامه به آن پرداخته شد و نیز گزارش ملاقات شاه با مأمورین روس در ساحل دریای مازندران.

ناصرالدین شاه در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۸۲ قمری با عده نسبتاً زیادی از صاحب‌منصبان عهد قاجار چون ملک‌منصور میرزا، تیمور میرزا، محمدحسن‌خان میرزا، میرزا غفارخان صدیق‌الملک و ابراهیم بیگ نایب اصطبل به سمت مازندران حرکت کرد، اردوی شاهی پس از عبور از سرخ‌حصار، بومهن، دماوند و فیروزکوه به سرحد مازندران، یعنی گردنه گدوک رسید. پس از ورود به سوادکوه اردو در اراضی و املاک ابراهیم بیگ نایب

اصطبل که در سال‌های بعد ملقب به شعاع‌الملک شد، استقرار یافت. اطلاعات این سفرنامه راجع به حضور ابراهیم‌خان شعاع‌الملک در سوادکوه از نخستین گزارش‌های بدست آمده در این زمینه می‌باشد.

در ادامه ناصرالدین شاه پس از عبور از زیراب، شیرگاه و علی‌آباد (قائم‌شهر فعلی) به ساری رفت و بعد از چند روز اقامت در آنجا اردوی شاهی به سمت اشرف رهسپار شد. در این بخش از سفرنامه گزارش نسبتاً مفصل شاه از وضعیت عمارت صفی‌آباد، باغ شاه عباس صفوی اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس از آن شاه به میانکاله رفت، و از آنجا به ساری بازگشت. گزارش وضعیت عمارت فرح‌آباد از دیگر نکات قابل توجه این سفرنامه است.

پس از چندی شاه قاجار وارد بارفروش شد و علما و بزرگان بارفروش به دیدارش رفتند. سپس اردوی شاهی به امل، محمودآباد، کجور و چالوس عزیمت کرد. توصیف شاه از این نواحی و نیز کلاردشت و مرزن‌آباد که منازل بعدی سفر وی بود، با اهمیت به نظر می‌رسد. در بخش پایانی سفر، ناصرالدین شاه از راه هزارچم به گچسار و شهرستانک رفت و در ۲۸ محرم ۱۲۸۳ قمری وارد سلطنت‌آباد شد.

این سفرنامه در روزنامه «ایران» از شماره ۱۳ (سه‌شنبه ۲۵ صفر ۱۲۸۸ قمری) تا شماره ۶۶ (جمعه ششم ذی‌القعدة ۱۲۸۸ قمری) به چاپ رسید و نسخه دیگری از آن بدست نیامد. در طول این سفر عکاس‌باشی ناصرالدین شاه عکس‌های متعددی از مسیر سفر تهیه کرد که بخش‌هایی از آنها در این مجموعه ارائه می‌شود.

دومین سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران به سفر سال ۱۲۹۲ قمری وی مربوط می‌شود. این سفرنامه به سفرنامه قبلی شاه شباهت بسیار دارد؛ صحبت از شکار، منازل راه و مسائلی از این دست بخش عمده این سفرنامه را دربرمی‌گیرد. در کنار این نکات، مسائلی چون توجه شاه به ثبت نام آبادی‌ها، اهتمام در بررسی آثار تاریخی مانند گزارش مفصل از عمارت امامزاده سیدابراهیم در حوالی مشهدسر، توضیح اتمام بازسازی عمارت بحرالارم در بارفروش و بازدید از حجاری در حال انجام «شکل شاه» در تنگه بندبریده از نقطه‌نظر تاریخ محلی مازندران از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

این سفر در بیستم شعبان ۱۲۹۲ قمری آغاز شد و شاه از راه گردنه تله‌رز به اوشان و سپس به شهرستانک رفت و پس از گذشتن از گچسار و گردنه کندوان وارد خاک

مازندران شد. در ادامه، سفرنامه به سیاحت و شکار در حوالی کجور، چالوس و کنار دریا اختصاص می‌یابد. اردوی شاهی در کنار ساحل دریا به سمت نور، محمودآباد و سپس مشهدسر و فرح‌آباد رهسپار می‌شود.

توصیف شاه از شبه جزیره میانکاله و قلاع آن از نکات مهم این سفرنامه به شمار می‌رود و نیز اشاره به بازسازی عمارت صفی‌آباد در اشرف‌البلاد، اردوی شاهی در ادامه سفر به ساری، بارفروش، آمل و سپس از راه هراز به گردنه امامزاده هاشم عزیمت کرد. چشمه لای دماوند، بومهن و دوشان‌تپه از آخرین منازل سفر سلطان صاحب‌قران بودند. وی در پنجم ذی‌القعدة ۱۲۹۲ قمری وارد دارالخلافه تهران شد. اعتمادالسلطنه که در این سفر از ملتزمین رکاب است، مشاهدات خود را نگاشته است.^۱

نخستین بار این سفرنامه به وسیله اعتمادالسلطنه در ۱۲۹۴ قمری به چاپ رسید. استاد ایرج افشار که در دوران اخیر آن را به صورت عکس به چاپ رسانده است در یادداشت خود بر این سفرنامه می‌نویسند:

«ناصرالدین شاه قاجار در سفری که به سال ۱۲۹۲ قمری به مازندران رفت به محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بعدی) دستور داد روزنامه سفری را که در شرح وقایع مسافرت تهیه کرده بود به چاپ برساند... این سفرنامه در سال ۱۲۹۴ قمری به خطر نستعلیق به چاپ رسیده و در آن چند تصویر قلمی از مناظر مازندران چاپ شده است.»

سومین و آخرین سفرنامه ناصرالدین شاه در این مجموعه سفرنامه نمارستاق است که در آن، شاه به شرح سفری می‌پردازد که از اوایل شعبان تا اواخر رمضان سال ۱۲۹۹ قمری به بیلاقیات مازندران داشته است. شاه از راه افجه به لار و بورت سیاه پلاس رفت و پس از گذشتن از چهل چشمه و ورارود به نمارستاق رفت. در همین هنگام و به مناسبت سفر شاه به این نواحی اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران اوضاع جغرافیایی نمارستاق را اینگونه شرح می‌دهد:

۱. بنگرید به: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ج ۶، ۱۳۸۵، صص

۲. ناصرالدین شاه، روزنامه سفر مازندران، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ پرنازمین، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، یادداشت ایرج افشار، همچنین نشر پانزده این سفرنامه را در سال ۱۳۸۳ به همت هارون و هومن منتشر کرده است.

استلک به شرح قریه بومهن و امامزاده سلطان مطهر آن می‌پردازد و مشخصات این امامزاده را که بنای آن به وسیله ملک کیومرث ساخته شد ثبت کرد. امامزاده تقی رودهن نیز مورد بررسی اعتضادالسلطنه قرار گرفت. ملاحظاتش درباره آبدلی که در آن روزگار به «چشمه علی» یا «مراد دهنده» معروف بود نیز با اهمیت است. او پس از توضیحاتی در مورد امامزاده هاشم به چگونگی ساخت آسیاب قصبه اسک پرداخت.

در بیست و نهم رجب اعتضادالسلطنه با همراهانش از اسک به سمت نقش برجسته «تمثال همایونی» که امروزه به «شکل شاه» معروف است حرکت کرد. وی پس از ثبت مشخصات قراء طول راه از جمله نیاک، نوا، مون، کندلو، گزنک، شنگلده، شاهان‌دشت به شرح این نقش برجسته مبادرت نمود. اسامی اشخاص، متن کامل اشعار و نام سراینده آن از اطلاعات با ارزش این سفرنامه به شمار می‌رود.

در ادامه اعتضادالسلطنه چگونگی پیدایش و ترکیبات چشمه‌های آب اسک را مورد بررسی قرار داد. گزارش مخطوط نویسنده از غار اسک و ثبت مشاهدات مسیو ریشاردخان و ملاعیسی اسکی در بررسی این غار از بخشهای با اهمیت و ارزنده این سفرنامه به حساب می‌آید. سفرنامه با رفتن اعتضادالسلطنه به قریه گرمابه در برای استفاده از آبگرم آن و شرح قراء طول راه ادامه می‌یابد.

پایان این گزارش که به شرح منازل بازگشت به تهران اختصاص دارد، حاوی اطلاعاتی ذی‌قیمت درباره آثار تاریخی و سنگ‌نوشته‌ها می‌باشد. اطلاعات ارائه شده در بررسی مسجد امام حسن (ع)، امامزاده‌ها و سنگ‌نوشته‌های قبور لواسان بسیار حائز اهمیت است و نیز اطلاعات مربوط به خرابه‌های «وهن‌وا» یا بهمن‌آباد در بلوک امیری لاریجان و بررسی غارهای نزدیک قریه مون به وسیله مسیو ریشاردخان و ملا ابی‌اهیم گرنایی.

از نکات قابل توجه در این سفرنامه اشاره به استفاده از تقویم قُرس قدیم در بین اهالی لاریجان و گزارش نسبتاً مفصل از جشن‌های باستانی در لاریجان و سایر بلاد است. با توجه به توضیحات داده شده به نظر می‌رسد سفرنامه اعتضادالسلطنه کمک شایانی برای آشکار شدن اوضاع اجتماعی و فرهنگی مازندران در آن سنوات به شمار می‌آید.

در میان آثار اعتضادالسلطنه سه رساله مربوط به مازندران است. نخست سفرنامه‌ایست که در سال ۱۲۷۲ قمری در سفر به مازندران نوشته که تا به حال به دست نیامده‌است و تنها در سفرنامه لاریجان به آن اشاره شده‌است. دیگری، «جغرافیای

«مجال مازندران» است که در بخش پیوست این مجموعه ارائه می‌شود. و در نهایت «سفرنامه لاریجان» که آخرین اثر او محسوب می‌شود. از این سفرنامه دو تحریر در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به شماره‌های (گ ۱۶۷ پ - ۱۹۸ پ) و (گ ۱۹۹ پ - ۲۲۷ پ) نگهداری می‌شود که با توجه به ساختار سفرنامه‌ای تحریر اول از یک سو و ناتمام بودن تحریر دوم از سوی دیگر، تحریر اول برای ارائه انتخاب شد.

روزنامه سفر محمد میرزا مهندس

محمد میرزا مهندس فرزند محمودخان قاجار از تحصیل کردگان دارالفنون، جغرافی‌دان و مهندس عصر ناصری بود. وی پس از مأموریت آذربایجان در اواسط صفر سال ۱۲۹۹ قمری مأمور ساختن قلعه‌های میانکاله شد و مدت دو سال به این کار مشغول بود. وی در آغاز روزنامه سفر میانکاله خود می‌نویسد: «... بنده هفت سال در سرحدات آذربایجان عموماً و در سرحد لاهیجان مکرری خصوصاً برای ساختن قلاع سرحدی مأموریت داشته ... و نیز دو سال مأمور میانکاله گردیده».

سفرنامه محمد میرزا مهندس که در اینجا به چاپ می‌رسد حاصل همین سفر می‌باشد که «... با کثرت اشتغال روزنامه [ای] از این مملکت از روی کتب اعراب و عجم و ترک و فرانسه و غیره نوشته ...» است. قصد او این بود که با پرداختن به تاریخ مازندران روزنامه سفر خود را تکمیل نماید.

این رساله در آغاز شباهتی با سفرنامه ندارد و به تاریخ قدیم مازندران می‌پردازد. همانگونه که در پاورقی توضیح داده شد قسمت عمده این بخش یعنی تا بند ۱۶۳، از کتاب‌های «تاریخ طبرستان» ابن اسفندیار و «تاریخ طبرستان» و رویان و مازندران» ظهیرالدین مرعشی اخذ شده است. با توجه به اینکه بعضی از عبارات و اصطلاحات دو کتاب یاد شده هنوز در هاله‌ای از ابهام است و نویسنده سفرنامه نیز آنها را عیناً به یادداشت خود منتقل کرده، عبارات نامفهوم به همان صورت ثبت شده آمده است.

احمد کسروی در «تواریخ طبرستان و یادداشت ما» می‌نویسد: «... حاجی محمد میرزا نامی در سال ۱۲۹۹ هجری از برای انجام مأموریت سرحدی میانکاله به

مازندران رفته و به قول خودش روزنامه‌ای نوشته است. در آنجا می‌نویسد: قریب ده تاریخ از مازندران که به السنه مختلف نوشته شده بود [را] مرور کرده.^۱

این رساله با سیری در تاریخ قدیم و جغرافیای تاریخی مازندران آغاز می‌شود و پس از شرح چگونگی ساخت شهرها و معرفی بعضی از علما، حکما و بزرگان به شرح سلسله مرعشیان می‌پردازد. از بند ۱۶۳ مشاهدات محمدمیرزا شروع می‌شود و گزارشی از بارفروش و دهات اطراف آن تا ساری، بیان مشاهدات از تهران تا ساری از راه سوادکوه و نیز از راه بومهن تا آمل که حاوی مطالب مهم و ارزنده‌ای می‌باشد از جمله مطالب این بخش است.

در پایان، داده‌هایی نیز راجع به سیاحت وی از ساری تا میانکاله ملاحظه می‌شود که با ارائه توصیفی از منازل راه، بناهای تاریخی اشرف و چگونگی ساختن قلعه‌های میانکاله توأم است که از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و نیز وجه تسمیه امیرآباد در نزدیکی میانکاله که به خاطر آباد شدن آن در زمان امیرکبیر به این نام معروف شد.^۲

نسخه خطی این رساله به شماره ۶۹۸ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. نسخه‌ای که در اختیار نگارنده قرار داشت از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود و از دیگر سوی این نسخه «مسوده» بوده و پاک‌نویس نشده بود و پاره‌ای از حواشی فراوان آن قابل خواندن نبود، در نتیجه تصحیح نسخه بادشواری همراه بود.

سفرنامه افضل‌الملک

غلامحسین خان فرزند مهدی‌خان زند شیرازی در ۲۵ محرم ۱۲۷۹ قمری در تهران متولد شد. لقبش «افضل‌الملک» و تخلصش «المعنی» بود. از آثارش «سحر سامری و سفر ناصری و یادداشت‌های روزانه از سفر کلاردشت و طالقان» است که در اینجا بخشی از آن که مربوط به سفر از تهران تا کلاردشت است به چاپ می‌رسد. از دیگر

۱. ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، تهران: شرق، ۱۳۶۸، مقدمه، ص ۱۵.

۲. اگر چه ناصرالدین شاه نام آن را به «ناصرآباد» تغییر داد اما امروزه نیز امیرآباد خوانده می‌شود.

آثار او می‌توان به «سفرنامه خراسان»، «کراسه‌المعی»، «رکن‌الاسفار یا سفرنامه مازندران»^۱ و «افضل‌التواریخ» اشاره کرد.^۲

در سفرنامه کلاردشت، افضل‌الملک به شرح سفری می‌پردازد که همراه با اردوی شاهی در شوال ۱۳۰۱ قمری به پیلاقی کلاردشت عزیمت کرد. او که به دعوت میرزا احمدخان آجودان خلوت به این سفر رفته بود حرکت اردوی شاهی از گردنه تله‌رز، اوشان و شهرستانک به سمت مازندران را شرح داده است. علاوه بر آن تعداد قابل ملاحظه‌ای قضیده که ملتزمین رکاب ناصرالدین شاه در مدح شاه سروده‌اند را ثبت کرده است.

وی علاوه بر آنکه منازل سفر تا کلاردشت را توصیف می‌کند به شرح حال بعضی از رجال آن عصر چون میرزا حسن‌خان منشی‌اسرار، میرزا ابوالفضل ادیب و میرزا تقی‌خان مجدالملک پرداخته است.

افضل‌الملک در سفرنامه‌ای که بعدها در دوران مشروطه از سفر مازندران خود نگاشته است در اشاره به این نوشته اظهار می‌دارد:

«... تقریباً در بیست و هشت سال قبل من در جزء مترجمین و مؤلفین دولتی و مورخین سلطنتی که راتبه دیوانی و اجازه درک حضور داشتم، در شرف التزام رکاب سلطانی به کلاردشت آمده، چند روزی در بیرون قلعه «لاهو» در زیر چادرهای پوش دولتی که برای ما می‌افراختند، بسر برده‌ام و سفرنامه‌ای در آن سفر نگاشته‌ام و شرح بعضی دهات و عبور از «بنفشه‌ده» و رفتن به محل «گاوسرا» و قضاید شعراء را که در آن سفر در مدح سلطان گفته‌اند، نوشته‌ام.»^۳

سفرنامه کلاردشت به همراه سفرنامه خراسان غلامحسین‌خان به شماره ۶۲۲ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

۱. غلامحسین افضل‌الملک، سفرنامه مازندران و وقایع مشروطه، به کوشش حسین صدیقی، قائم‌شهر: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳.

۲. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه، بیروت: سعدوندید، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، مقدمه، صص ۱۴ و ۱۳.

۳. غلامحسین‌خان افضل‌الملک، سفرنامه مازندران و وقایع مشروطه، ص ۱۴۳.

سفرنامه ملیجک

غلام‌علی‌خان معروف به «ملیجک» و ملقب به «عزیزالسلطان» و دارای منصب امیرتومانی در کودکی، پسر میرزا محمدخان امین خاقان در حدود سال ۱۲۹۶ قمری متولد شد و از عوان کودکی به قدری مورد توجه و محبت ناصرالدین شاه قرار گرفت که از فرزندان خودش هم او را بیشتر دوست می‌داشت. به همین خاطر در بسیاری از سفرها از جمله سفر سوم به اروپا از ملتزمین رکاب شاه بود.^۱ سفرنامه ملیجک که با شماره (۱۹۰۰۷) در کتابخانه آیت‌اله مرعشی قم نگهداری می‌شود، گزارشی است از سفر ناصرالدین شاه در آخرین سال سلطنتش به مازندران.

این سفر از بیستم محرم سال ۱۳۱۳ قمری شروع شد و اردوی همایونی پس از گذشتن از گردنه تله‌رز به سمت قشم رفت و پس از گذشتن از زایگان و گرمابدر، راه بلده را در پیش گرفت. منازل بعدی سفر کجور و سپس لب دریا بود. پس از آن با بازگشت به کجور و دهات میخساز، اردوی شاه به شهرستانک رفت و اندکی بعد به تهران مراجعت کرد. این سفرنامه گزارش منازل، آبادی‌ها و وضعیت داخلی اردوی ناصرالدین شاه است که از زبان ملیجک روایت می‌شود. شباهت این سفرنامه به سفرنامه‌های ناصرالدین شاه بسیار است؛ از نحوه نگارش گرفته تا صحبت از منازل راه و شکار.

گزارش‌های پایانی

گزارشات پایانی این مجموعه در آغاز به دو گزارش سفر ۱۲۸۳ قمری ناصرالدین شاه به مازندران اختصاص دارد. نخست گزارشی است که از مرکز اسناد وزارت امور خارجه به شماره (۴-۱۲-۱۳۸۳ ق) بدست آمد و دیگری گزارشی است به نظم که نسخه آن با شماره (۱۰۳۲۲-۵) در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

عنوان پیوست سوم «سیاحت حاجی محمدمیرزا از ساری به میانکاله» است که به شماره (۶۹۸) از کتابخانه ملی ملک بدست آمد. اگر چه بخش‌هایی از این گزارش در

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۳، تهران: زوار، ۱۳۷۸، صص ۲۱، ۲۰.

سفرنامه وی آمده. ارائه جداگانه آن نیز خالی از فایده نیست. در خاتمه رساله «جغرافیای محال مازندران» اثر علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه به صورت عکسی چاپ می‌شود.

ناصرالدین شاه در سفر ۱۲۸۵ قمری به کلاردشت به علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه، نخستین وزیر علوم ایران دستور داد اطلاعات مربوط به نواحی شمالی از کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی و «مراصدالاطلاع» که در واقع خلاصه کتاب یاد شده است را به فارسی ترجمه کند. اعتضادالسلطنه نیز اطلاعات مربوط به چانوس، کچه یا کلار، رویان و همچنین جُرُبد و قومس را ترجمه کرد. اگر چه قومس و جُرُبد جزء مازندران محسوب نمی‌شد اما این اثر معروف به «شهرهای مازندران» شده است.

«معجم البلدان» کتابی است که یاقوت حموی در سال ۶۱۵ قمری در مروشاهجان آغاز به تألیف آن کرد و در ۲۰ صفر ۶۲۱ قمری در حلب به پایان رسانید و به قفطی علی بن یوسف، وزیر حلب پیشکش کرد. در این اثر اماکن جغرافیایی به ترتیب حروف الفبا توضیح داده شد. با تطبیق متن عربی «معجم البلدان» و «مراصدالاطلاع» با ترجمه اعتضادالسلطنه می‌توان ادعان داشت که او ترجمه نسبتاً دقیقی ارائه داده است و تنها در پاره‌ای موارد مطالبی برای توضیح بیشتر به اصل متن افزوده است. در زمان ترجمه این اثر اعتضادالسلطنه وزیر علوم و رئیس دارالفنون بود و روزنامه ملت را منتشر می‌کرد.

در مجلد اول «فهرست‌واره کتاب‌های فارسی» که به کوشش احمد منزوی به چاپ رسیده، این اثر با نام‌های «جغرافیای محال مازندران» و «شهرهای مازندران» به ثبت رسیده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه سپهسالار و نسخه دیگری در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. نسخه حاضر با شماره ۲۷۶۴ از کتابخانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به دست آمده است.

در برگ نخست این کتابچه مرقوم شده است: این «... رساله» ترجمه بعضی از محال مازندران از قبیل کلاردشت و رویان و جربد و قومس و غیره است که اعتضادالسلطنه وزیر علوم و صنایع و معادن و تجار[ت] دام اجلاله فرمودند. به خط میرزا مسیح داخل کتابخانه نواب معظم الیه گردید و از کتاب معجم البلدان ترجمه شد... این یک جلد رساله در یوم جمعه ۱۵ شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۲۹۷ قمری در عداد کتب موقوفه مسجد و

مدرسه ناصری معدود و به کتابخانه مدرسه مزبوره داخل گردید و صیغه وقف آن مطابق مشروح و شروط مندرجه در وقفنامه مسجد و مدرسه جاری شد.

بعضی از سفرنامه‌های این مجموعه از جمله سفرنامه برونیار، اعتضادالسلطنه و نیز بخشی از پیوست‌ها با تصویر کامل نسخه خطی آن در فصل‌نامه «پیام بهارستان» به وسیله نگارنده به چاپ رسید.^۱ در تصحیح سفرنامه‌ها تلاش شد علاوه بر انتخاب عناوین مناسب برای هر بخش، نام اماکن مورد بررسی قرار گیرد و اسامی تغییر یافته در پاورقی توضیح داده شود. در معرفی رجال عصر ناصری علاوه بر کتاب «المآثر و الآثار» عمدتاً از کتاب‌های «شرح حال رجال ایران» اثر مهدی بامداد و «القاب رجال دوره قاجاریه» اثر دکتر کریم سلیمانی استفاده شد. امید است مجموعه «نامه مازندران» بتواند بخشی از کاستی‌های تاریخ‌نگاری آن سرزمین را برطرف کند.

در پایان نگارنده لازم می‌داند نخست از دوست فرزانه جناب آقای کاوه بیات به پاس راهنمایی‌های همیشگی‌اش و سپس از آقای سهم‌الدین خزایی، خانم اشرف سرایلو و خانم فرحناز برهمن به خاطر همراهی مستمر در مسیر انجام این پژوهش و نیز از همراهان سوادکوهی؛ آقایان محبوب قبادیان، حمیدرضا اسدی و حسن رضایی که موجبات انجام این پژوهش و چاپ آن را فراهم آورده‌اند، قدردانی نماید. همچنین از مسئولان آرشیوهای که نسخ خطی سفرنامه از آنجا بدست آمده است و نیز از مراحم آقای دکتر منوچهر ستوده، دکتر عنایت‌الله مجیدی رئیس کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، خانم سوسن اصیلی مسئول بخش نسخ خطی دانشگاه تهران، آقای سعید سلیمانی مدیر بایگ پژوهشی برج‌های تاریخی در اداره میراث فرهنگی مازندران و آقای رضا سفیدکوهی که امکان دسترسی و آماده‌سازی عکس‌های مورد نظر را فراهم آورده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

مصطفی نوری

تهران، ۶ آبان ۱۳۸۹

۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فصلنامه پیام بهارستان، شماره‌های ۴ (تابستان ۱۳۸۸)، ۵ (پائیز ۱۳۸۸)، ۶ (زمستان ۱۳۸۸) و ۷ (بهار ۱۳۸۹).